

❁ به لطف خدا آلاء رایگان هست و همیشه رایگان خواهد ماند... ❁

آلاء

موسسه آموزش مجازی - دبیرستان دانشگاه صنعتی شریف

امام علی (علیه السلام) فرمودند: زکات دانش، آموزش به کسانی که شایسته آند و کوشش در عمل به آن است. نهج الصالحه ج ۲۸۱

ادبیات شاید نتواند جلوی جنگ و خونریزی را بگیرد، شاید نتواند جلوی مرگ کودکی را بگیرد، اما می تواند کاری کند که دنیا به آن فکر کند.

ژان پل سارتر - قطابه ی نوبل



جزوه ی جامع ادبیات

داریوش راوش

تشبیه



تعریف: مانند کردن چیزی یا کسی به چیزی یا کسی دیگر

ترتیب یافتن ارکان تشبیه:

1- ادات تشبیه 2- مشبه به 3- مشبه 4- وجه شبه

چون آینه جان نقش تو در دل بگرفته دل در سر زلف تو فرو رفته چو شانه

تشبیه بلیغ:

1) اسنادی: مسند باید جنسش اسم باشد و جمله را غیر واقعی کند:

عالم ایجاد عشرت خانه ی جزو و کل است

☑ نمونه تست: کدام گزینه تشبیه اسنادی ندارد؟ (55 %)

1- وفا مصاحب دیرینه ی محبت ماست 2- به جور تو که محبت خلاف عادت ماست

3- بوریا خواهد نیستان شد به ذوق شگرت 4- چراغ خلوتم آخر نگاه پیر کنعان شد

2) اضافی (اضافه ی تشبیهی)

سیل غم لب لعل تابوت پست خاک

☑ نمونه تست: در کدام بیت تشبیه بلیغ وجود ندارد؟ (40 %)

1) پی ثنای تو سر بر زند جواهر نطق 2) بیداد لطیفان همه لطف است و عنایت

3) در شجاعت شیر ربانیستی 4) در محیط عشق او سر در گریبان برده ایم

نکته ی بسیار مهم: اگر شباهت میان مشبه و مشبه به را حس نکردیم یا به آن شک داشتیم، سراغ مضاف

می رویم؛ در صورتی که مضاف

کل : تشبیهی
جزء : استعاری

تمرین : نوع اضافه های زیر را مشخص کنید.

لب جو ←	کوه صبر ←	بهار توبه شکن ←	شراب عرفان ←
طفل شعله ←	آبروی فقر ←	خانه ی وهم حباب ←	جام عقیق ←
غم هجران ←	وعده ی دیدار ←	گریبان مکاشفه ←	بت پندار ←
اقلیم وجود ←	چشم آیینه ←	تیر آه ←	کشتی مغرور ←

☑ نکات:

1) در تشبیه اسنادی فعل به هر صورتی بیاید (مثبت، منفی، پرسشی، امری و...) باید معنای مثبت داشته باشد:

☑ نمونه تست: در کدام گزینه تشبیه نمی بینید؟

- 1- نیست جز مژگان حجابی را که بر داریم ما
- 2- لب توست یا چشمه ی کوثر است؟!
- 3- پرنده باش که از آسمان گذر بکنی
- 4- آدم نمی توان گفت آن را که خر نباشد

2) (چون/چو) به عنوان ادات تشبیه باید فقط معنای (مانند) بدهد:

آب چون در روغن افتد می کند شیون چراغ

بگفت از جان صبوری چون توان کرد

عاقبت چون شعله خاکستر به فرق ما نشست

☑ نمونه تست: چون در کدام گزینه حرف اضافه است؟ (30 %)

- 1) چون ببینی کن ز حال ما بیان
- 2) چون شنید آن مرغ کان طوطی چه کرد...
- 3) خویشتن آرای مشو چون بهار
- 4) نداند که چون کردی آغازشان

☞ راه یابی به تشبیه

1- ادات تشبیه 2- اضافه تشبیهی 3- افعال اسنادی 4- جایگزین کردن (مانند)

✓ تست: در کدام بیت آرایه های تشبیه بیشتر است؟ (60 %)

(اختصاصی انسانی خارج از کشور 91)

- (1) از درون تو بود تیره جهان چون دوزخ
 - (2) تبخال ها به ناله درآیند چون جرس (= زنگ)
 - (3) گر هست در دماغ تو را باد نخوتی
 - (4) دجله ی اشک از بهار شوق طغیان کرده است
- دل اگر تیره نباشد همه دنیا است بهشت
از درد چون شود به فغان آشنا لبم
آماده ی شکستن خود چون حباب باش
رازهای سینه را خاشاک طوفان کرده است

✓ تست: در کدام بیت تمام ارکان تشبیه به کار رفته است؟ (70 %)

(سنجش 87)

- (1) قد همه دلبران عالم
 - (2) چو پیلی به اسب اندر آورد پای
 - (3) نی مپندار که حرفی به زبان آرم اگر
 - (4) اهل دنیا سه فرقه بیش نی اند
- پیش الف قدت چو نون باد
بیاورد چون باد، لشگر ز جای
تا به سینه چو قلم باز شکافند سرم
چون طعام اند و همچو دارو و درد

عشق خیره شدن به یکدیگر نیست؛ بلکه همراه هم به سمتی یگانه در بیرون نگرستن است.

آنتوان دو سنت اکزوپری

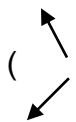
استعاره - تشخیص



روش ساخت ستعاره:

- تشبیه تام ← (دارای.....رکن تشبیه) لیخند مانند گل بر چهره اش شکفت
- استعاره ی مصرحه ← (..... را نگه می داریم) گل بر چهره اش شکفت
- استعاره ی مکنیه ← (..... را نگه می داریم) لیخند بر چهره اش شکفت

راهِ یابی به استعاره ی مصرحه (و مجاز!) 



- الف) یافتن اسم های خیالی (ب) یافتن منظور واقعی (ج) ساختن تشبیه (آیا منظور مانند اسم خیالی است؟)
- نجنید یک شیر بر پشت زین
- الف) اسم خیالی؟ (ب) منظور؟ (ج) مانند است؟ آرایه ←
- به جستجوی تو یک شهر در به رد می گشت
- الف) اسم خیالی؟ (ب) منظور؟ (ج) مانند است؟ آرایه ←
- منزل آن مه عاشق کنش عیار کجاست؟
- الف) اسم خیالی؟ (ب) منظور؟ (ج) مانند است؟ آرایه ←
- سپید شد چو درخت شکوفه دار سرم
- الف) اسم خیالی؟ (ب) منظور؟ (ج) مانند است؟ آرایه ←

☒ نمونه تست: در کدام گزینه استعاره وجود ندارد؟ (50 %)

- | | |
|--------------------------------|---------------------------|
| 1) چو آن آهنین کوه آمد به دشت | همه رزمگه کوه فولاد گشت |
| 2) بجز بازوی دین و شیر خدا | که شد طالب رزم آن اژدها |
| 3) چنین آن دو ماهر در آداب ضرب | ز هم رد نمودند هفتاد حرب |
| 4) چو غلتید در خاک آن ژنده فیل | بزد بوسه بر دست او جبرئیل |

استعاره مکنیه: حذف (مشبه به) و نسبت دادن یکی از ویژگی های آن به (مشبه)

👉 راه یابی به استعاره مکنیه

- 1) منادای غیر انسان ← ای نسیم - ای عشق - ای آسمان
- 2) اضافه ی استعاره ی شیرازه ی زندگی - وجدان غم - کنگره ی عرش - پایتخت شعر
- 3) نسبت دادن ویژگی یک اسم به اسمی دیگر در جمله ← قضا چون ز گردون فرو هشت پر

شب ایستاده بود (مثل چی؟) () می تراود مهتاب (مثل چی؟) ()
تیغ می بارد (مثل چی؟) () جهان را تلاوت کنیم (مثل چی؟) ()

بخز در لاکت ای حیوان که سرما نهدانی دستش اندر دست مرگ است

🕯 نکته: اگر منظور واقعی شاعر از صدا کردن یک غیر انسان، انسانی واقعی باشد، استعاره از نوع مصرحه است و تشخیص هم نخواهد داشت و اگر منظورش همان غیر انسان بود استعاره ی مکنیه بوده و تشخیص دارد:

ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست ؟ ← استعاره ی و تشخیص.....
ای گل به دستمال هوس پیشگان مرو ← استعاره ی و تشخیص.....

☑ تست: در کدام ابیات زیر آرایه ی تشخیص یافت می شود؟ (% 65) (سنجش 91)

- | | |
|--|---------------------------------------|
| الف) تو را ز کنگره ی عرش می زنند صغیر | ندانمت که در این دامگه چه افتاده است |
| ب) ای دل من تو را بشارت باد | که تو را من به دوست خواهم داد |
| ج) تا مرا عشق تو تعلیم سخن گفتن کرد | خلق را ورد زبان مدحت و تحسین من است |
| د) نثار روی تو هر برگ گل که در چمن است | فدای قد تو هر سرو بن که بر لب جوست |
| ه) صبا ز حال دل تتگ ما چه شرح دهد | که چون شکنج ورق های غنچه تو بر تو است |

1) ب، ج، ه 2) ب، ج، د 3) الف، ب، د 4) الف، ج، د

☑ تست: بر کدام گزینه همه ی ترکیب ها اضافه ی استعاره ی اند؟ (% 60) (سراسری 89- تجربی)

- 1) لب استخر، گل همیشه بهار، سایش بال، عطر الهام
- 2) دست مهربان مرگ، درخت عزیز، گل خیال، غرفه ی بلند آسمان
- 3) سینه ی کویر، آغوش خوش بختی، سقف شب، دست طبیعت
- 4) پرنده ی خیال، چشمه ی مواج نوازش، سایه ی پرواز، زبان گویای خدا

تا زمانی که به قله ی کوه نرسیده ای بلندای کوه را اندازه نگیری، تنها آن هنگام در میایی که کوه چه کوتاه بوده !

« راک هامر شولر »

حقیقت و مجاز



علاقه های مجاز:

- | | | |
|---|---|---------------------------------------|
| 1. کل یک چیز به جای بخشی از آن (کلیه) | ← | دست در حلقه ی آن زلف دو تا نتوان کرد |
| 2. بخشی از یک چیز به جای کل آن (جزئیّه) | ← | نشاید پس مرگش الحمد خواند |
| 3. مکان یک چیز به جای محتوای آن (محلّیه) | ← | سراسر همه دشت بریان شدند |
| 4. محتوای یک چیز به جای مکان آن (محلّی وارون) | ← | باده ی ناب دست تو |
| 5. وسیله ی یک کار به جای نام خود آن کار (آلیّه) | ← | دهخدا قلم خوبی داشت |
| 6. جنس یک چیز به جای خود آن چیز (جنسیت) | ← | آن که جان بخشید و ایمان خاک را |
| 7. همراه یک چیز به جای خود آن چیز (لازمیه) | ← | محتاج قصه نیست گرت قصد خون ماست |
| 8. علت بوجود آمدن چیزی به جای خودش (سببیه) | ← | این دم شنو که راحت از این دم شود پدید |

نکته ی تستی:

✓ تست: (جهان) در همه ی گزینه ها به جز گزینه ی به عنوان صنعت مجاز به کار رفته است. (50 %)

- | | |
|-------------------------------|--|
| 1) جهان، متّفق بر الهیّتش | (2) جهان ز درد و فراق تو آه و ناله کند |
| 3) جهان ای پسر ملک جاوید نیست | (4) جهان دل نهاده بر این داستان |

نکته ی تستی:

✓ تست: در کدام گزینه مجاز وجود ندارد؟ (60 %)

- | | |
|-----------------------------------|-------------------------------|
| 1) ذات او دروازه ی شهر علوم | زیر فرمائش حجاز و چین و روم |
| 2) به یاران گفت کز خاکی و آبی | ندیدم کس بدین حاضر جوابی |
| 3) کز نیستان تا مرا ببریده اند | از نفیرم مرد و زن نالیده اند |
| 4) صوفی نهاد دام و سر حقه باز کرد | و آغاز مکر با فلک حقه باز کرد |

الف) یافتن اسم خیالی (ب) یافتن منظور (ج) ساختن تشبیه (منظور مانند اسم خیالی است؟)

1. بله ←

2. خیر ←

جو آشامیدم این پیمانه را پاک در افتادم ز مستی بر سر خاک

الف) اسم خیالی؟ (ب) منظور؟ (ج) مانند است؟ آرایه ←

یکی درخت گل اندر میان خانه ی ماست که سروهای چمن پیش قامتش پستند

الف) اسم خیالی؟ (ب) منظور؟ (ج) مانند است؟ آرایه ←

پیش دیوار آن چه گویی هوش دار تا نباشد در پس دیوار گوش

الف) اسم خیالی؟ (ب) منظور؟ (ج) مانند است؟ آرایه ←

ماهم این هفته برون رفت و به چشمم سالی ست حال هجران تو ندانی که چه مشکل حالی ست

الف) اسم خیالی؟ (ب) منظور؟ (ج) مانند است؟ آرایه ←

الف) اسم خیالی؟ (ب) منظور؟ (ج) مانند است؟ آرایه ←

✓ تست: بر کدام گزینه مجاز وجود ندارد؟ (60 %)

- 1) همی کند سودابه از خشم روی
- 2) بر او انجمن گشت بازارگاه
- 3) هرگو نکند فهمی زین کِلک خیال انگیز
- 4) چه باید مرا جنگ زابلستان

✓ تست: بر کدام گزینه مجاز وجود ندارد؟ (65 %)

- 1) تهمتن گز اندر کمان راند زود
- 2) از دست تو هیچ دست بالاتر نیست
- 3) همی ریخت آب و همی خست روی
- 4) همچون بنفشه سر به گریبان کشیده ام

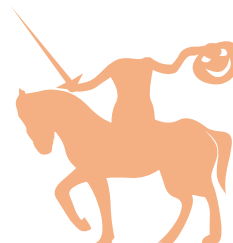
نادان، نه می پخشند نه فراموش می کند ساده، می پخشند و فراموش می کند

خردمند، می پخشند ولی فراموش نمی کند

« توماس سارژ »

کنایه

کنایه: واژه یا عبارتی که معنای ظاهری آن منطقی نیست و برداشتی که از آن می شود منظور نویسنده است:



بگفتا گر به سر یابیش خشنود بگفت از گردن این وام افکنم زود

معنای ظاهری ← دین خود را ادا می کنم منظور اصلی ← جان خود را فدا می کنم

👉 راه یابی به کنایه

1- ضرب المثل ها 2- فعل های کنایی 3- فعل بی ربط به نهاد 4- صفت بی ربط به موصوف 5- عبارات کنایی

1. هر که بامش بیش برفش بیشتر کنایه از ← هر چه پولدار تر در دسر هم بیشتر
2. بالا گرفتن ← شدت یافتن چشم پوشیدن ← نادیده گرفتن سر باز زدن ← انجام ندادن
3. ز دوستان مجازی چو دشمنان بر میدم ← گریختم
4. - بده آن مرد تُرش را قدحی ای شه شیرین ← ناخوش و اندوهگین - دلربا و شاد

5. فرمول: بخشی از جمله + مصدر فعل جمله
سرم به دنی و عقبی فرو نمی آید
عبارت کنایی ← سر فرونیامدن منظور ← تسلیم نشدن

- آب اگر یک جا بماند می گندد ()
- ای غنچه ی خندان چرا خون در دل ما می کنی ()
- وحشی ز بس آزدگی، زهر از زبانش می چکد ()
- به پاس یک دل ابری دو چشم بارانی ()
- دم در نیار و دفتر بی هوده پاره کن ()
- کس نداند کز غمت چون سوختم ()
- پیش ازین که این خانه رو نهد به ویرانی ()
- شیران زده دم بر زمین پیش سگان کوی او ()

☑ تست: در همه ی ابیات به جز بیت معنای کنایی وجود دارد. (60 %) (سنجش 90)

- | | |
|--------------------------------------|----------------------------------|
| 1) گر من آلوده دامنم چه عجب | همه عالم گواه عصمت اوست |
| 2) به کنجی درون رفت بنشست مرد | جگر گرم و آه از تف سینه سرد |
| 3) آمد کار من و رشته ی تسبیح یکی است | که ز صد ره گذرم سنگ به سر می آید |
| 4) خنک آنکه آسایش مرد و زن | گزیند بر آسایش خویشان |

☑ تست: در همه ی ابیات به جز بیت ... دو بار آرایه ی کنایه به کار رفته است. (80 %) (سنجش 88)

- | | |
|---------------------------------------|-------------------------------------|
| 1) عمرها در زیر دامن برد سعدی پای صبر | سر ندیدم کز گریبان وفا برداشتن |
| 2) جهان چو حادثه ای پای در رکاب آرد | عنان فتنه بدان چشم نیم خواب دهد |
| 3) بر درگه عشق گر مرا بار افتد | کاری بکنم که پرده از کار افتد |
| 4) گل ز شبنم نتوانست عرق کردن خشک | بس که در کوی تو بازار تماشا گرم است |

عشق در لحظه به وجود می آید و دوست داشتن در امتداد... « رومن رولان »